

Criticism of the Qur'anic Documents of Ahmad Ismail About the Recognition of Divine Proofs through Dreams

Kamran Oveisi 

Associate Professor, Department of Quranic and
Hadith Studies, University of Islamic Studies,
Qom, Iran

Hassan Rezaiemehr *

Teacher of University and graduate of the 4th
level of seminary, Qom, Iran

Abstract

The use of dreams has long held a special place among the Mahdist claimants. Since they do not have sufficient evidence to prove their claim, they have caused deviation in the waiting society by incorrectly applying the verses and narrations of this chapter. Among the claimants is "Aḥmad Ismā'īl Baṣrī." He says: Prophet Jacob did not know that Joseph would be his successor and the prophet after him. This important revelation came after Joseph's dream, and Joseph's brothers were able to understand Joseph's prophethood through this dream. As a result, dreams can serve as a means to recognize divine guidance (Aḥmad Ismā'īl, n.d.: 56 and 60 - Part of the Muharram sermon, 5 Muharram 1432 AH). The purpose of the present study is to explain and analyze the Quranic applications of Aḥmad Baṣrī, focusing on the implications of Quranic verses regarding the recognition of divine proof through dreams and their refutation, using a descriptive-analytical method. The findings indicate that the lack of attention to the context of the verses, the interference of presuppositions, and personal tastes in the way of inferring and misinterpreting interpretive narrations, and interpreting them with an opinion without acceptable narrative and rational support, have led to the incorrect application of the verses of the Quran to a particular

* Corresponding Author: h.rezaei_2024@mailna.co

How to Cite: Oveisi, K., Rezaiemehr, H. (2025). Criticism of the Qur'anic Documents of Ahmad Ismail About the Recognition of Divine Proofs through Dreams, *Journal of Seraje Monir*, 16(51), 59-84. DOI: 10.22054/ajsm.2025.85261.2122

person. In the research conducted on the subject of recognizing the divine proof through dreams, the narrative documents of Aḥmad Ismā'īl Baṣrī have often been criticized and commented on, while the present research, with a comprehensive view, criticizes the Quranic documents of Aḥmad Ismā'īl Baṣrī about recognizing the divine proofs through dreams in a logical and argumentative framework and concludes that the Quranic documents of Aḥmad Ismā'īl Baṣrī about recognizing the divine proofs through dreams are not consistent with the correct criteria of application.

Extended Abstract

Introduction

Dreams have long been recognized as a significant human experience, consistently drawing attention throughout history. They have also served as one of the tools employed by claimants to Mahdism during the period of occultation—including *Aḥmad Ismā'īl Baṣrī*—to justify their claims. *Aḥmad Baṣrī* regards dreams as a means of identifying the Divine Caliph and, by appealing to Qur'anic verses and prophetic traditions, seeks to validate his false beliefs. In recent years, numerous scholars have authored critical works examining this deviant movement, each investigating aspects of its intellectual foundations and argumentative methods, such as the authority of dreams, the use of "*Istikharah*," the claimed descent from the Imam *al-Mahdi* (AJ), interpretation of traditions, the doctrine of "*Raj'ah*," (Return) the knowledge of the Imam, and "*Mubāhalah*." Building upon these scholarly efforts, the present study undertakes a comprehensive and analytical critique of *Aḥmad Ismā'īl Baṣrī's* Qur'anic evidences regarding the possibility of recognizing Divine Proofs through dreams.

Literature Review

Despite various analyses of *Aḥmad Ismā'īl Baṣrī's* intellectual movement, few works rigorously evaluate his claim that the Quran supports the recognition of Divine Proofs through dreams. The core objective of this study is to systematically assess and ultimately challenge those Quranic claims, directly addressing a gap in existing research and offering a reasoned critique of *Baṣrī's* arguments.

Methodology

This study employs a descriptive-analytical, library-based approach; critically examining *Baṣrī*'s cited Quranic verses in light of established exegetical principles. The main thesis is that *Baṣrī*'s interpretations are contextually unsupported and methodologically flawed, and this analysis exposes the inconsistencies between his arguments and valid Quranic teachings.

Results

The Holy Qur'an addresses the issue of dreams in various verses and confirms the authenticity of true dreams. However, the main challenge posed by the movement of *Aḥmad Ismā'īl Baṣrī* lies in his interpretation and application of such verses to justify the recognition of Divine Proofs by ordinary people. According to Qur'anic teachings and narrations from the infallibles, prophets and Imams (AS) are divinely appointed, and a dream holds probative value only when it is seen or confirmed by a Divine Proof—such as Prophet *Yūsuf*'s dream, which was affirmed by Prophet *Ya'qūb*. *Baṣrī*'s interpretation of revelation in verse 111 of Surah *al-Mā'idah* as a dream lacks definitive evidence, and, given the presence of multiple possible meanings, it cannot be proven. Even if accepted, the verse refers specifically to the disciples of Jesus and cannot be generalized. Likewise, his followers' claim that the revelation to the mother of Musa was a dream cannot serve as a basis for generalizing true dreams among all people, since the probative authority of a dream applies only to the person who experiences it and cannot be extended to others.

Keywords: *Aḥmad Ismā'īl Baṣrī*, Quranic Documents, Divine Proofs, Dreams, Revelation, Inspiration.

نقد و بررسی مستندات قرآنی احمد اسماعیل درباره شناخت حجج الهی از طریق رؤیا

دانشیار گروه معارف قرآن و حدیث دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران

کامران اویسی 

مدرس دانشگاه و فارغ التحصیل سطح چهار حوزه علمیه، قم، ایران

حسن رضایی مهر  *

چکیده

از دیرباز بهره‌گیری از رؤیا در میان مدعیان مهدویت جایگاهی ویژه داشته و چون دلایل کافی در اثبات ادعای خود ندارند با تطبیق نادرست آیات و روایات این باب، موجب انحراف در جامعه منتظر شده‌اند. از جمله مدعیان «احمد اسماعیل بصری» است او می‌گوید: حضرت یعقوب نمی‌دانست که یوسف وصی و نبی بعد از اوست و این مهم را بعد از رؤیای یوسف به دست آورد و برادران یوسف با این خواب توانستند نبوت یوسف را بفهمند. در نتیجه خواب می‌تواند راه شناخت حجت الهی باشد. (احمد اسماعیل، بی‌تا و: ۵۶ و ۶۰ - بخشی از خطبه محرم، ۵ محرم الحرام ۱۴۳۲) هدف در پژوهش حاضر؛ تبیین و تحلیل تطبیقات قرآنی احمد بصری در دلالت آیات قرآن بر تشخیص حجت الاهی از راه رؤیا و ابطال آن‌ها به روش توصیفی - تحلیلی است. یافته‌ها حاکی از آن است که عدم توجه به سیاق آیات، دخالت پیش‌فرض‌ها، سلاقی شخصی در چگونگی استنباط و برداشت نادرست از روایات تفسیری و تفسیر به رأی بدون پشتوانه نقلی و عقلی مقبول، موجب تطبیق نادرست آیات قرآن بر شخص خاص انجامیده است. در پژوهش‌های انجام‌شده با موضوع شناخت حجت الاهی از طریق خواب، غالباً مستندات روایی احمد اسماعیل بصری مورد نقد و نظر قرار گرفته درحالی که تحقیق پیش‌رو با نگاهی جامع، مستندات قرآنی احمد اسماعیل بصری درباره شناخت حجج الهی از طریق رؤیا را در چارچوبی منطقی و استدلالی مورد نقد قرار داده و منتج است به اینکه مستندات قرآنی احمد بصری درباره شناخت حجج الهی از طریق رؤیا با معیارهای درست تطبیق سازگار نیست.

کلیدواژه‌ها: احمد اسماعیل بصری، مستندات قرآنی، حجج الهی، رؤیا، وحی، الهام.

مقدمه

رؤیا از اموری است که از زمان‌های دور همواره مورد اهتمام بشر بوده و حقیقتی انکارناپذیر است. (کلینی، ۱۴۰۷: ۸ / ۹۰) یکی از طرفندایی که مدعیان مهدویت در دوران غیبت از آن بهره جسته‌اند، تکیه بر خواب و تأویل آن بر خویش است، احمد اسماعیل بصری از جمله این مدعیان می‌باشد. وی با بهره‌گیری از شیوه مدعیان مهدویت، تمسک به رؤیا را یکی از کوتاه‌ترین راه‌های ممکن جهت اثبات ادعاهای خود نام می‌برد و می‌گوید: «شیطان نمی‌تواند در قالب رسول خدا (ص) و اهل بیت (ع) تمثیل پیدا کند. ما از طریق رؤیا، مصداق خلیفه الهی بر زمین را تشخیص می‌دهیم، همان‌گونه که یعقوب نبی (ع) به واسطه رؤیا تشخیص داد که خلیفه الهی بعد از او، فرزندش یوسف (ع) است». (احمد بن اسماعیل، بی‌تا: ۴ - ۱ / ۸۶) احمد بصری و یارانش برای تأیید سخنان خود مبنی بر اصالت رؤیا، آیات و روایات را وسیله‌ای برای تأیید عقیده باطل خویش قرار داده‌اند. بدین جهت مسئله مقاله حاضر نقد و بررسی مستندات قرآنی احمد اسماعیل بصری درباره شناخت حجج الهی از طریق رؤیا است.

در نقد جریان انحرافی احمد اسماعیل، کتاب‌ها و مقالات متعددی تألیف یافته که به برخی اشاره می‌شود: «فعالیات صهیونی و هابیه فی العراق»، تألیف محمدعلی نصرالدین (۱۴۳۰ ق)، «الردّ القاصم لدعوة المفتری علی الإمام القائم» تألیف شیخ علی آل محسن (۱۴۳۴ ق)، «المهدویة الخاتمة» تألیف سید ضیاء الخباز (۱۴۳۵ ق)، «الشهب الاحمدیه علی مدعی المهدویه» نوشته شیخ احمد سلمان (۱۴۳۵ ق)، «بررسی و رد ادعاهای احمد اسماعیل» تألیف محمد ذکاوت صفت (۱۳۹۳ ش)، «از تبار دجال» اثر نصرت‌الله آیتی (۱۳۹۳ ش)، «رهنمای کور» تألیف محمد شهبازیان (۱۳۹۴ ش)، «ستیز با آفتاب» نوشته حجت حیدری چراتی و محمدعلی فلاح (۱۳۹۴ ش)، «دجال بصره» به قلم علی کورانی عاملی (۱۳۹۴ ش)، «راه و بیراهه (نقد مدعی یمانی)» به قلم نصرت‌الله آیتی (۱۳۹۴ ش)، «خواب پریشان» تألیف محمد شهبازیان (۱۳۹۴ ش)، «دکان‌های کاغذی» تألیف علی محمدی هوشیار (۱۳۹۵ ش)، «رسول ابلیس» نوشته محمد مهدی سلمان‌پور (۱۳۹۵ ش)،

«بررسی و نقد کلامی جریان‌های انحرافی مهدویت» اثر حسین حجامی (۱۳۹۵ ش)، «نقد و بررسی جریان احمد اسماعیل بصری» اثر حسین حجامی (۱۳۹۶ ش)، «ناقوس گمراهی» اثر نصرت‌الله آیتی (۱۳۹۶ ش)، «ره افسانه نقد و بررسی فرقه یمانی بصری» تألیف محمد شهبازیان (۱۳۹۶ ش)، «ردیه‌ای قاطع بر احمد بن اسماعیل الکاطع» اثر اکبر بیرامی (۱۳۹۷ ش)، «فرقه احمد اسماعیل بصری در بوته نمود و نقد» اثر اکبر بیرامی (۱۳۹۷ ش)، «پیشوای اینترنتی» تألیف علی محمدی هوشیار (۱۳۹۷ ش)، «درسنامه نقد و بررسی احمد اسماعیل بصری»، نوشته علی محمدی هوشیار (۱۳۹۷ ش)، «روشن‌تر از خورشید؛ قانون شناخت حجت‌های الهی» تألیف علی محمدی هوشیار (۱۳۹۷ ش)، «بررسی برداشت‌های قرآنی احمد الحسن بصری با تاکید بر تطبیق‌های متعارض با دلایل عقلی و نقلی»، نویسندگان؛ نصرت‌الله آیتی - مرتضی کریمی، انتظار موعود، شماره ۶۰، بهار ۱۳۹۷. «بررسی برخی ادله روایی احمد اسماعیل بصری، یمانی دروغین»، نویسندگان؛ مهدی یوسفیان و محمد شهبازیان، مشرق موعود، شماره ۲۷، ص ۵۹. «نقد و بررسی دیدگاه احمد اسماعیل بصری درباره رجعت»، آیتی، نصرت‌الله، فصلنامه علمی پژوهشی موعود، سال هشتم، ش ۳۰، تابستان ۱۳۹۳ ش.

در این آثار، روایات مورد ادعای این جریان و تطبیق آن بر احمد اسماعیل بصری، معرفی جریان احمد بصری و شیوه‌های نقد این جریان؛ نقد و بررسی مبانی اندیشه این جریان اعم از: حجیت رؤیا، حجیت استخاره، ادعای فرزند امام زمان بودن احمد اسماعیل بصری، استدلال‌های احمد بصری و پیروانش به روایات و تطبیق بر ایشان، نقد و بررسی حدیث وصیت، دیدگاه احمد اسماعیل بصری درباره رجعت، علم امام، مباحله و مهدیون مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

اما در پژوهش پیش‌رو با نگاهی جامع، مستندات قرآنی احمد اسماعیل بصری درباره شناخت حجج الهی از طریق رؤیا در چارچوبی منطقی و استدلالی مورد نقد واقع شده است.

احمد اسماعیل بصری

احمد الحسن البصری با نام کامل احمد اسماعیل صالح السلمی البصری در سال ۱۹۷۳ م در شهر بصره عراق به دنیا آمد. او فارغ‌التحصیل رشته معماری از دانشگاه بصره (۱۹۹۸ م) می‌باشد. (انتشارات انصارالامام المهدی، بی‌تا: ۳۷). وی مدتی نیز در نجف به تحصیل علوم دینی اشتغال داشته و پس از مدت کوتاهی حضور در نجف، خود را «احمد اسماعیل بصری» نواده پنجم امام مهدی (عج) و سید یمانی معرفی کرد. مریدانش از او به‌عنوان احمد اسماعیل بصری یاد می‌کنند و علت به‌کار بردن نام «احمدالحسن» برای او با استناد به این حدیث است: «وَ يَسْمِيهِ بِاسْمِ جَدِّهِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) وَ يَكْنِيهِ، وَ يَنْسُبُهُ إِلَى أَبِيهِ الْحَسَنِ الْخَادِي عَشَرَ إِلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ» (خصیعی، ۱۴۱۹: ۳۹۷). از آن‌جا که یکی از نام‌های پیامبر (ص) احمد است و در روایت از انتساب او به امام حسن عسکری (ع) سخن به میان آمده؛ پس او را احمد الحسن می‌خوانند. (احمد الحسن، بی‌تا: ۶۰).

به ادعای احمد بصری شجره‌نامه وی چنین است: «سید احمد اسماعیل بصری فرزند اسماعیل فرزند صالح فرزند حسین فرزند سلمان فرزند امام مهدی (عج) فرزند حسن العسکری است. (احمد بن اسماعیل، بی‌تا: ۴ - ۷/۱؛ شهبازیان، ۱۳۹۵: ۱۰) هیچ‌کسی از نام پدر سلمان (جد سوم و مورد ادعای احمد اسماعیل بصری) قبل از این که خود امام مهدی (عج) به یمانی بگوید، اطلاعی نداشت». (انتشارات انصارالامام المهدی، بی‌تا: ۳۷) او به یمانی معروف گردید و پس از مدتی، در همه‌جا از جمله شهرهای ایران دعوت خود را به‌عنوان سید یمانی اعلام کرد و ادعا نمود با امام زمان (عج) دیدار داشته و مهاجرت وی به نجف اشرف به‌دستور آن حضرت و باهدف اصلاح امور حوزه‌ها بوده است. وی در مورد علنی نمودن دعوتش چنین ادعا می‌کند: «دو روز آخر از ماه رمضان از سال ۱۴۲۴ هـ ق امام مهدی (عج) به من امر فرمود که خطابم را متوجه اهل زمین کنم و هر فرقه را با توجه به ویژگی‌هایش برحسب اوامر امام (عج) مورد خطاب قرار دهم و در روز سوم شوال (مطابق ۱۷ آذر ۱۳۸۱)، امام مهدی (عج) به من امر فرمود که انقلاب بر علیه ظالمان را

علنی سازم و به بررسی راهکارها بپردازم و کارهای لازم را به سرعت به انجام رسانم. (احمد بن اسماعیل، بی تا: ۳ - ۱ / ۱۷۳)

۱. مفاهیم

پیش از ورود به بحث، تبیین اصطلاحات ضروری تحقیق ارائه می شود:

۱-۱. «رؤیا»

واژه «رؤیا» از ریشه «رأی» به معنای چیزی است که در خواب دیده شود. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۴ / ۲۹۷) این کلمه بر وزن فُعْلَى است که همزه آن تخفیف داده شده و با حرف «واو» گفته می شود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۷۵) و جمعش «رؤی» است. (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴: ۱۰؛ ص ۲۹۹) واژه «رؤیا» با کلمات دیگر مانند حلم (همان: ۱۲ / ۱۴۵)، نوم (همان: ۱۰ / ۴۱۲) و حدیث مترادف می باشد.

در مورد مترادف حدیث با رؤیا آمده است: «بسیار می شود که این کلمه را می گویند اما رؤیا را اراده می کنند؛ چون در حقیقت رؤیا هم حدیث نفس است زیرا در عالم خواب، امور به صورت هایی در برابر نفس انسان مجسم می شود، همان طور که در بیداری هر گوینده ای مطالب خود را برای گوش شنونده اش مجسم می کند، پس رؤیا هم مانند بیداری، حدیث است. (همان: ۱۰ / ۴۱۲) واژگان «نوم» و «حلم» نیز هرچند مترادف با رؤیا است اما تفاوت هایی دارند. برخی از لغویان بر آنند که مراد از «نوم» خواب غافلانه است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۲ / ۵۹۸) و «حلم» گاهی اشاره به خواب آشفته دارد چنان که قرآن از آن تحت عنوان «اضغاث احلام» یاد می کند (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۴ / ۱۲).

۱-۲. «الهام»

واژه «الهام» بر وزن افعال مشتق از ریشه «لهم» و به معنای بلعیدن و فروبردن غذا می باشد الهام، القای معنا در نفس است اعم از این که القا الهی باشد یا غیر الهی، معنا یا محتوای القاشده خیر باشد یا شرّ. (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴: ۳ / ۴۹۴) واژه «الهام» در قرآن کریم،

فقط یک بار به کار رفته است: «فَالْهَمَّهَا فَجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا» (شمس: ۸) که منظور از آن القای الهی است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۴۸). درواقع، معنای لغوی «الهام» آخص از وحی است؛ چراکه الهام به معنای القای معنا در نفس دیگری است؛ اما وحی مطلق القاست، بلکه شامل القای امور تکوینی نیز می شود.

۳-۱. «وحی»

واژه «وحی» از نظر لغوی معانی بسیاری دارد. رایج ترین یا مهم ترین معانی آن اشاره، کتابت، رسالت، الهام (فراهدی، ۱۴۰۹: ۳ / ۳۲۰)، تلقین، پیام، گفتار پنهان و همه چیزهایی که به دیگران منتقل می کنید، می باشد. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۵ / ۳۷۹) به گفته راغب اصفهانی معنای اصلی این واژه اشاره سریع است که با اموری همچون کلام رمزی، اشاره از راه اعضا، کتابت و نوشتار و مواردی این چنینی تحقق می یابد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۵۸) درواقع جامع تمام معانی و کاربردهای واژه وحی «تفهیم و القای سریع و نهانی» است که متوجه مخاطب خاص بوده و بر دیگران پوشیده است. این معنای مشترک، در همه مصادیق وحی صدق می کند؛ خواه القای امر تکوینی بر جمادات باشد و یا القای امر غریزی بر حیوانات؛ تفهیم خطورات فطری و قلبی بر انسان های عادی و معمولی باشد یا تفهیم شریعت بر پیامبران برگزیده؛ خواه اشاره باشد یا صدای نهانی و یا نوشتار بشری (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۳ / ۵۵).

۲. تصدیق رؤیا در قرآن

خدای متعال در آیات متعدد به مسئله رؤیا پرداخته و آن را تصدیق کرده است:

۱-۲. رؤیای حضرت ابراهیم (ع) در ماجرای ذبح اسماعیل (ع): «...قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانْظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ * فَلَمَّا أَسْلَمَا وَ تَلَّهُ لِلْجَبِينِ * وَ نَادَيْنَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ * قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا...» (صافات: ۱۰۲-۱۰۵).

۲-۲. رؤیای حضرت یوسف (ع) درباره سجده خورشید، ماه و یازده ستاره در مقابل او: «إِذْ

قال يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ*
قالَ يَا بُنَيَّ لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَى إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا...» (يوسف: ۴-۵).

۲-۳. رؤیای هم‌زندانی‌های حضرت یوسف (ع): «...قالَ أَحَدُهُمَا إِنِّي أَرَانِي أَعْصِرُ خَمْرًا وَ
قالَ الْآخَرُ إِنِّي أَرَانِي أَحْمِلُ فَوْقَ رَأْسِي خُبْرًا تَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْهُ» (يوسف: ۳۶).

۲-۴. رؤیای پادشاه مصر: «وَقَالَ الْمَلِكُ إِنِّي أَرَى سَبْعَ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ وَ
سَبْعَ سُنبُلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ يَابِسَاتٍ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي رُءْيَايَ إِن كُنْتُمْ لِلرُّءْيَا تَعْبُرُونَ»
(يوسف: ۴۳).

۲-۵. الهام به مادر حضرت موسی (ع) در حادثه به نیل انداختن ایشان: «إِذْ أَوْحَيْنَا إِلَى أُمِّكَ
مَا يُوحَى* أَنْ أَقْذِفِيهِ فِي التَّابُوتِ...» (طه: ۳۸-۳۹).

۲-۶. رؤیای پیامبر اکرم (ص) پیرامون شجره ملعونه: «وَإِذْ قُلْنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِالنَّاسِ
وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ...» (اسراء: ۶۰).

۲-۷. رؤیای پیامبر اکرم (ص) درباره فتح مکه: «لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلُنَّ
الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُؤُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا
فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذَلِكَ فَتْحًا قَرِيبًا» (فتح: ۲۷).

۲-۸. رؤیای پیامبر (ص) در مورد جنگ بدر: «إِذْ يَرِيكَهُمْ اللَّهُ فِي مَنَامِكَ قَلِيلًا وَلَوْ أَرَاكَهُمْ
كَثِيرًا لَفْشَلْتُمْ وَتَتَنَزَّعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَلَكِنَّ اللَّهَ سَلَّمَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ» (انفال: ۴۳)

۳. بررسی ادعاهای تفسیری احمد اسماعیل بصری در شناخت حجج الهی

همان‌طور که گفته شد احمد بصری معتقد است: «هرکسی در خواب پیامبر (ص) و
معصومین را ببیند که خلافت وی را تأیید کرده، خواب وی صادق است» (احمد اسماعیل،
بی‌تا ب: ۵ / ۱۵۳- <http://almahdyoon.ir>) وی برای اثبات ادعای خویش مبنی بر
شناخت حجج الهی از طریق خواب به آیات قرآن استناد کرده است. این بخش در دو
عنوان؛ عنوان اول بررسی مستندات عام و عنوان دوم بررسی مستندات خاص موردنقد قرار
می‌گیرد.

۳-۱. مستندات عام قرآنی بر شناخت حجج الهی از طریق رؤیا

بنابر ادعای احمد بصری با استناد به آیات ۳۰ فصلت و ۶۴ سوره یونس، بشارت گفته شده در آیات همان رؤیای صالحه است که به تفکیک اشاره می‌شود:

۱-۳-۱. بشارت فرشتگان به مؤمنان در رؤیای صادق

احمد بصری در یکی از سخنانش با استناد به آیه «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ» (فصلت: ۳۰) می‌گوید: فرشتگان هنگام نزول به خواب و رؤیای صالحه مؤمنان، آن‌ها را به درستی راه و روش، استقامت‌ورزی و حُسن عاقبتشان بشارت می‌دهند؛ چراکه آن‌ها بر مسیر ولایت خدا گام برمی‌دارند و ولی خدا را پیروی می‌کنند (احمد اسماعیل، بی تا الف: ۴ / ۵۲).

نقد و بررسی

مفسران درباره زمان نزول فرشتگان بر مؤمنان و بشارتی که در آیه مطرح شده مطالبی را بیان نموده که به تفصیل بیان می‌شود:

۱. از مجاهد، سدی و حضرت صادق (ع) روایت شده که آمدن فرشتگان برای بشارت به هنگام مرگ است (عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۴ / ۵۴۷).
۲. حسن، ثابت و قتاده می‌گویند: فرشتگان به هنگام بیرون آمدن مؤمنین از قبرها در محشر به استقبال آنان آمده و از طرف خدا به آنان بشارت می‌دهند.
۳. جبائی و ابن مسلم آمدن فرشتگان برای بشارت را در قیامت دانسته‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۹ / ۱۷).

۴. منظور از بشارت، بهشت موعودی است که در دنیا به زبان پیامبران الهی به شما مژده داده می‌شد. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۹ / ۱۸) بنابراین نزول فرشتگان نزد مؤمنان به هنگام مرگ یا در روز قیامت است و بشارتی که در آیه از آن یاد شده بشارت به بهشت موعودی است که پیامبران وعده داده‌اند و هیچ‌یک از مفسران، بشارت را رؤیای صادق مؤمنان تفسیر و تبیین نکرده و تفسیر احمد بصری بر این امر تفسیر به رأی و مخالف با سیاق آیات و روایات است

مگر این که بشارت در این آیه را همچون بشارت در آیه ۶۴ سوره یونس بداند.

۲-۱-۳. بشارت به رؤیای صالح مؤمن

دومین آیه‌ای که احمد بصری بشارت موجود در آن را به رؤیای صالحه تفسیر کرده آیه ۶۴ سوره یونس است: «لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» سپس به روایتی از پیامبر خدا (ص) استناد کرده که فرمود: منظور از «لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا»، رؤیای حسنه است که مؤمن می‌بیند و با آن به او در دنیایش بشارت داده می‌شود» (احمد اسماعیل، بی تا الف: ۴ / ۵۲).

نقد و بررسی

مفسران در تفسیر آیه شریفه، بشارت در دنیا و آخرت را چنین معنا می‌کنند:

۱. علی بن ابراهیم قمی می‌گوید: منظور از بشارت در دنیا رؤیای صادق‌های است که مؤمن در خواب می‌بیند و مراد از بشارت در آخرت، زمان مرگ است (قمی، ۱۳۶۳: ۱ / ۳۱۴).

۲. زجاج و فراء نقل می‌کنند: بشارت در زندگی دنیا همان است که خدای تعالی در قرآن کریم برای کارهای نیک و اعمال صالح وعده داده است نظیر آیات «وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ» (یونس: ۲) و «يَبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ...» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵ / ۱۸۲).

۳. بنابر نقل قتاده، زهری، ضحاک و جبائی، بشارت در دنیا همان بشارتی است که فرشتگان در وقت مرگ به مؤمنین می‌دهند و به آن‌ها می‌گویند «... نترسید و اندوهگین نباشید و به بهشت مژده گیرید...» (فصلت: ۳۰).

۴. امام صادق (ع) می‌فرماید: آن بشارت این است که هنگام مردن او را به بهشت مژده می‌دهند و حضرت محمد (ص) و علی (ع) این بشارت را به آنان می‌دهند (بحرانی، ۱۴۱۵: ۲ / ۱۹۱).

۵. در روایتی دیگر امام صادق (ع) می‌فرماید: منظور از بشارت دنیوی، رؤیایی است که مؤمن برای خود و یا دیگران درباره‌اش می‌بینند و معنای بشارت در آخرت، بشارتی است

نقد و بررسی مستندات قرآنی احمد اسماعیل درباره شناخت ...؛ رضایی مهر و اویسی | ۷۱

که فرشتگان در قیامت بعد از برخاستن مؤمنین از قبور به آنان می‌دهند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵ / ۱۸۲).

۶. الف و لام جنس و مطلق بودن کلمه «البشری» موجب مفهوم وسیعی در این کلمه شده که هرگونه بشارت را شامل می‌شود و همه اقوالی که گفته شد در آن درج است و هرکدام می‌تواند اشاره به گوشه‌ای از این بشارت وسیع الهی باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۸ / ۳۳۸).

در استناد احمد بصری به آیات ۳۰ سوره فصلت و ۶۴ سوره یونس، اصل رؤیای صادقه ثابت می‌شود و ما در این زمینه که رؤیای صادقه در آیات قرآن موردپذیرش واقع شده با جریان احمد بصری بحثی نداریم، بلکه اختلاف ما با این جریان بر سر ادعای آنان در بهره‌گیری از آیات قرآن در تشخیص حجت الاهی به‌وسیله رؤیا است که در مستندات خاص قرآنی به بررسی آن می‌پردازیم.

۴. مستندات خاص قرآنی بر شناخت حجج الهی از طریق رؤیا

درباره رؤیای پیامبران الهی یا غیر پیامبران آیاتی در قرآن وجود دارد که احمد بصری و یارانش برای اثبات ادعای خود مبنی بر شناخت مصادیق حجت الهی از طریق رؤیا به آن آیات استناد کرده‌اند که در ادامه به بررسی آن می‌پردازیم.

۴ - ۱. رؤیای یوسف (ع) دلیل بر تشخیص مصداق خلیفه خدا

ازجمله دلایل احمد اسماعیل بصری برای اثبات حجیت خواب در تعیین مصداق خلیفه خدا در زمین رؤیایی است که حضرت یوسف در کودکی می‌بیند. اسماعیل بصری در خطبه محرم می‌گوید: «آیا قرآن نخوانده‌اید و در داستان یوسف (ع) اندیشه نکرده‌اید که چگونه یعقوب نبی (ع) رؤیای یوسف (ع) را دلیل تشخیص مصداق خلیفه خدا شمرده است؟ «إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ» * قَالَ يَا بُنَيَّ لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَى إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُبِينٌ». (یوسف: ۵-۴) آیا این اقرار قرآنی روشنی، نسبت به حجیت داشتن رؤیا

در تشخیص مصداق خلیفه خدا در زمین نیست؟» (بخشی از خطبه محرم (۵) محرم الحرام ۱۴۳۲) رؤیای یوسف (ع) نه تنها برای خود او بلکه برای پدرش یعقوب (ع) به عنوان یکی از پیامبران و حجت‌های الهی، راهی برای شناخت حجت بود؛ زیرا حضرت یعقوب با شنیدن این رؤیا حضرت یوسف (ع) را از برگزیدگان پروردگار و در زمره دیگر حجت‌های خدا همچون ابراهیم (ع) و اسحاق (ع) می‌بیند. به علاوه گفتار یعقوب (ع) به یوسف (ع) مبنی بر عدم تعریف خواب برای برادرانش نشان گر آن است که رؤیای صادقه از راه‌های شناخت حجت برای مردم نیز بوده است زیرا با این خوابی که وی دیده بود، برادرانش پی به حجت بودن او می‌بردند. (احمد اسماعیل، بی تا ج: ۶۲؛ احمد اسماعیل، بی تا و: ۵۶)

نقد و بررسی

بنابر آیات شریفه، خداوند در اوان رشد و تربیت حضرت یوسف، رؤیایی به او نشان داد که در ابتدای سوره یوسف از آن رؤیا خبر می‌دهد بدین جهت که از همان آغاز تربیت دورنمای آینده درخشان او و ولایت الهی که خدا ایشان را بدان مخصوص می‌کند، را به وی نشان داد تا برای او بشارتی باشد که همواره در طول زندگی و تحولاتی که می‌بیند مدنظرش باشد و در نتیجه مصیبت‌هایی که می‌بیند و شدائدی که با آن‌ها روبرو می‌گردد به یاد آن دورنما بیفتد و نفس را به خویشتن‌داری و تحمل آن مشقات راضی کند. (طباطبائی، ۱۳۹۰: ۱۱ / ۷۷) در ادامه به نقد ادعای احمد بصری می‌پردازیم.

۱. تعبیر رؤیای یوسف به عزیزی مصر

بنابر روایتی از امام باقر (ع) مراد از رؤیا در آیات پنجم سوره یوسف و «یا أَبَتِ هَذَا تَأْوِيلُ رُؤْيَايَ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَعَلَهَا رَبِّي حَقًّا» (یوسف: ۱۰۰) اشاره به عزیز بودن ایشان در مصر دارد. امام (ع) می‌فرماید: «تَأْوِيلُ هَذِهِ الرُّؤْيَا أَنَّهُ سَيَمْلِكُ مِصْرَ وَ يَدْخُلُ عَلَيْهِ أَبَوَاهُ وَ إِخْوَتُهُ، أَمَّا الشَّمْسُ فَأُمُّ يَوْسُفَ رَاحِيلُ وَ الْقَمَرُ يَعْقُوبُ وَ أَمَّا أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا فَإِخْوَتُهُ فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَيْهِ - سَجَدُوا شُكْرًا لِلَّهِ وَ خَدَهُ حِينَ نَظَرُوا إِلَيْهِ - وَ كَانَ ذَلِكَ السُّجُودَ لِلَّهِ؛ تعبیر رؤیا این است که

نقد و بررسی مستندات قرآنی احمد اسماعیل درباره شناخت ...؛ رضایی مهر و اویسی | ۷۳

بر مصر حکومت می‌کند و پدر و مادر و برادرانش نزد او می‌آیند؛ اما منظور از خورشید مادر یوسف راحیل و منظور از ماه یعقوب و مراد از یازده ستاره، برادرانش هستند، و چون بر او وارد شدند (و او را دیدند، برای شکر الهی سجده کردند) و این سجده برای خدا بود» (قمی، ۱۳۶۳: ۱ / ۳۳۹)، بنابراین تأویل رؤیای حضرت یوسف (ع) حکومت مصر بوده نه آنچه احمد بصری و انصار او ادعا می‌کنند که این رؤیا دلیلی بر تشخیص مصداق خلیفه خدا و تعیین وی به پیامبری است.

۲. تعبیر خواب توسط نبی

بر فرض قبول ادعای احمد و انصار او مبنی بر این که رؤیای یوسف (ع) دلیل بر تشخیص مصداق خلیفه خدا است و اینکه می‌گویند: «حضرت یعقوب (ع) از خواب حضرت یوسف (ع) دریافت که ایشان پیامبر است» بنابراین در جایی که خواب برای یکی از اولیاء خاص الهی نقل شود و ایشان خواب را بر حجت بودن شخصی خاص تعبیر نماید، تعبیر او از صادق بودن رؤیا خبر می‌دهد و چنین ادعایی پذیرفته می‌شود؛ درحالی که معتقدان به امامت احمد اسماعیل بصری همگی مردمی عادی هستند.

۳. دیدن خواب توسط نبی

با توجه به ادعای احمد بصری، از شرایط تصدیق رؤیا، این است، فردی که خواب امام بودن کسی را دیده، او باید از اولیا خاص الهی باشد تا رؤیای او تصدیق شود. ابن عباس در تفسیر آیه «إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ» می‌گوید: رؤیای انبیاء، وحی است (طبری، ۱۴۱۲: ۱۲ / ۹۰) به علاوه نهی یعقوب مبنی بر عدم فاش خواب به علت حسدی است که علیه یوسف می‌ورزند و این سخن یعقوب از آن رو بود که خواب پیامبران صورت وحی دارد و یعقوب دانست که برادران وی تعبیر این خواب را می‌دانند و از برتری یوسف بر خویش بیمناک گشته و بر وی حسد می‌برند و درصدد آزار و نابودی او برمی‌آیند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵ / ۳۲۰).

۴. علم به نبوت یوسف پس از تولد او

حضرت یعقوب (ع) بنابر علم نبوت، حتی قبل از رؤیای حضرت یوسف (ع) از آینده وی و وصایت او باخبر بود و آن را به یوسف (ع) بشارت داده بود. شاهد بر این مطلب روایت مفضل بن عمر است. امام صادق (ع) به مفضل می گوید: «آیا می دانی پیراهن یوسف (ع) چه بود؟ عرض کردم: نه. فرمود: چون برای ابراهیم (ع) آتش افروختند؛ جبرئیل (ع) جامه‌ای از جامه‌های بهشت برایش آورد؛ او پوشید و با آن جامه گرما و سرما به ابراهیم زبانی نمی‌رسانید؛ هنگامی که مرگ ابراهیم فرارسید، آن را در غلافی نهاد و به اسحاق آویخت و اسحاق آن را به یعقوب آویخت و چون یوسف (ع) متولد شد، آن را بر او آویخت و در بازوی او بود تا امرش به آنجا که باید می‌رسید (به حکومت مصر رسید) و چون یوسف آن را در مصر از غلاف بیرون آورد، یعقوب بوی خوش آن را دریافت و همین است که گوید: «إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يَوْسُفَ كَوْ لَا أَنْ تُفْنَدُونَ» (یوسف: ۹۴) و آن همان پیراهنی بود که خدا از بهشت فرستاده بود. عرض کردم: قربانت گردم آن پیراهن به چه کسی رسید؟ فرمود: به اهلش. سپس فرمود: هر پیغمبری که دانش یا چیز دیگری را به ارث گذاشته [دریافته] به آل محمد (ص) رسیده است» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱ / ۲۳۲، ح ۵). این روایت بیان گر به ارث رسیدن پیراهن ابراهیم (ع) به اوصیا و انبیا بوده و یعقوب (ع) پس از تولد یوسف (ع)، این پیراهن را به گردن او می‌آویزد و یوسف (ع) میراث‌دار پیراهن ابراهیم (ع) می‌شود. باید توجه داشت که این پیراهن جز در اختیار وصی و حجت الهی قرار نمی‌گرفته و در حال حاضر این پیراهن، در اختیار آخرین امام حضرت مهدی (عج) است (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ۱ / ۱۴۳، باب ۵، ح ۱۰).

۴ - ۲. شناخت عیسی (ع) توسط حواریون از طریق رؤیا

آیه دیگری که پیروان احمد اسماعیل بصری در اثبات مدعای خود مبنی بر زعامت و امامت احمد بصری از طریق رؤیای صادقانه استفاده کرده‌اند، آیه «وَإِذْ أَوْحَيْتُ إِلَى الْحَوَارِيِّينَ أَنْ آمِنُوا بِي وَبِرَسُولِي قَالُوا آمَنَّا وَاشْهَدْ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ» (مائده: ۱۱۱) است. آن‌ها می‌گویند: در این آیه خدا برای معرفی عیسای مسیح به عنوان پیامبر، به حواریین وحی کرد

که مراد از وحی، رؤیاست و حواریون به واسطه رؤیا پی به نبوت حضرت عیسی بردند (احمد اسماعیل، بی تا ج: ۶۲).

نقد و بررسی

با توجه به معنای صحیح از آیه ۱۱۱ سوره مائده، منظور از ایمان، پایبند بودن حواریون به عهد و پیمان است و منظور از وحی، به معنی الهام است.

۱. معنای «ایمان» در آیه شریفه

آیه ۱۱۱ سوره مائده منطبق با آیه ۵۲ سوره آل عمران است که می فرماید: «فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَى مِنْهُمْ الْكُفْرَ قَالَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ آمَنَّا بِاللَّهِ وَأَشْهَدُ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ». ایمانی که خدا در آیه ۱۱۱ سوره مائده ذکر نموده، غیر از ایمانی است که آنها از اول به مسیح آوردند و به نبوتش اقرار کردند، برای این که ظاهر آیه «فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَى مِنْهُمْ الْكُفْرَ» این است که این احساس در اواخر ایام دعوت او بوده، ایامی که حواریین جزء طبقه اول از مؤمنین به عیسی و ملازم و همراهش بوده اند، علاوه بر این که ظاهر آیه «قَالَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ...» دعوت برای میثاق گرفتن بر یاری دین خدا بوده نه برای اصل ایمان به خدا و لذا آیه شریفه با جمله «وَأَشْهَدُ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ» که اعلام تسلیم در برابر امر خدا به اقامه دعوت و تحمل مشقت در راه او است، ختم شده و معلوم است که طبعاً این تسلیم و تحمل زحمت بعد از اصل ایمان است؛ بنابراین منظور از ایمان در آیه «وَإِذْ أَوْحَيْتُ إِلَى الْحَوَارِيِّينَ أَنْ آمِنُوا بِي...» عهد و پیمان گرفتن از حواریین است. (طباطبائی، ۱۳۹۰: ۶ / ۲۲۱).

۲. معنای صحیح «وحی» در آیه شریفه

در قرآن واژه وحی در معانی مختلف به کار رفته است:

۲ - ۱. اشاره پنهانی: حضرت زکریا (ع) پس از بشارت یافتن به داشتن فرزند، مکلف به روزه سکوت شد، پس به جای سخن گفتن، با اشاره مقصود خویش را به دیگران

می فهماند: «فَأَوْحَىٰ إِلَيْهِمْ أَنْ سَبِّحُوا بُكْرَةً وَعَشِيًّا» (مریم: ۱۱).

۲ - ۲. هدایت غریزی: هر موجودی از جماد، نبات، حیوان و انسان، به صورت غریزی و طبیعی راه بقا و تداوم حیات خویش را می داند: «وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ * ثُمَّ كُلِّي مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلُلًا يَخْرُجُ مِنْ بَطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ ...» (نحل: ۶۹ - ۶۸).

۲ - ۳. وحی به معنای الهام: گاهی انسان پیامی را دریافت می کند ولی منشأ آن را نمی داند؛ به ویژه در حالت اضطرار که ناگهان درخششی در او ایجاد شده و راه را برایش روشن می کند «وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خِفَتْ عَلَيْهِ فَالْقِيهِ فِي الْيَمِّ». (قصص: ۷) گفتنی است که قرآن، وحی را در معنای وسوسه های شیطان نیز به کار برده است: «يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا» (انعام: ۱۱۲) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۱ / ۲۹۶).

۲ - ۴. وحی رسالی یا تشریعی: وحی به این معنا از اختصاصات نبوت است که مبنی بر آن، پیامبران در فرآیندی خاص، از خدا سخن دریافت می دارند مانند: «وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا...» (شوری: ۵۱) هرگاه واژه وحی در قرآن به صورت مطلق و خالی از قرینه بیان شود، مقصود همان وحی و پیام رسانی مخصوص الهی به پیامبران است.

بنابر معانی یادشده:

اولاً: وحی در آیه «وَإِذْ أَوْحَيْتُ إِلَى الْخَوَارِجِ...» به معنای الهام است نه وحی تشریعی، چون در ادامه آیه به حواریون دستور داده شد که به خدا و رسولش ایمان بیاورند: «أَنْ آمِنُوا بِي وَبِرَسُولِي قَالُوا آمَنَّا وَاشْهَدْ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ» (جوادی آملی، ۱۴۰۱: ۲۴ / ۲۳۵). محمد بن یوسف صنعانی از پدرش روایت کرده که گفت: از امام باقر (ع) معنی «إِذْ أَوْحَيْتُ إِلَى الْخَوَارِجِ» را پرسیدم که مگر به حواریین هم وحی می شده؟ فرمود: وحی در اینجا به معنی الهام است. (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱ / ۳۵۰، ح ۲۲۱)

ثانیاً: این که مقصود از وحی در این آیه، رؤیایی باشد که شاخه ای از وحی است، به دلیل وجود احتمالات مختلف و عدم وجود قرینه، قابل اثبات نیست؛ بنابراین نمی توان مراد از وحی در این آیه را خواب و رؤیا تفسیر کرد. حتی اگر در این آیه مقصود از وحی را رؤیا

بدانیم، باز این آیه اشاره به مورد خاص (حواریون) دارد و عمومیت ندارد.

۴ - ۳. علم ملکه سبأ به نبوت حضرت سلیمان در عالم رؤیا: پیروان احمد بصری در تفسیر آیه «قَالَتَ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ إِنِّي أُلْقِيَ إِلَيَّ كِتَابٌ كَرِيمٌ» (نمل: ۲۹) می‌گویند: «ملکه سبأ در عالم رؤیا دانست که سلیمان (ع) نبی خداست؛ پس رؤیایش را راست پنداشت و در نهایت ایمان آورد. بلقیس از کجا می‌دانست این نامه، نامه‌ای بزرگ است؟ جز از راه خدا و رؤیا و کشف؟» (احمد اسماعیل، بی‌تا ج: ۳۱۱؛ احمد اسماعیل، بی‌تا د: ۴۳).

نقد و بررسی

عدم توجه به حذف در آیه و تفسیر نادرست از علت کریم خواندن نامه در ادعای احمد بصری مشهود می‌باشد که توضیح آن در ذیل آمده است:

۱. تفسیر آیه شریفه بدون توجه به حذف و ایجاز در کلام

در آیات ۲۹-۳۰ سوره نمل حذف و ایجاز جهت اختصار به کاررفته که تقدیر آن چنین است: هدهد نامه را از سلیمان گرفته، به سرزمین سبأ برد تا به ملکه برساند و چون بدان‌جا رسید نامه را به وی داد، ملکه نامه را گرفت همین‌که آن را خواند به اشراف قوم خود گفت: «يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ...» (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۱۵/۳۵۸).

۲. وجوه کریم خواندن نامه از ناحیه ملکه سبأ

مفسران قرآن در علت کرامت نامه از سوی ملکه سبأ به مواردی اشاره کرده‌اند:

(الف) آن نامه، نامه مهر شده بود و در حدیث هم آمده که اکرام کتاب به مهر کردن آن است (زمخشری، ۱۴۰۷: ۳/۳۶۳).

(ب) بعضی گفته‌اند: وجهش این است که خط آن فوق‌العاده زیبا بوده و بیانی شیوا داشته است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷/۳۴۳).

(ج) بعضی دیگر گفته‌اند: از این جهت کریمش خوانده‌اند که از راه غیرطبیعی یعنی توسط مرغ هوا به او رسیده است (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۹/۱۹۵).

(د) علامه طباطبائی علت کریم بودن نامه را با توجه به آیه ۳۰ سوره نمل دو چیز می‌داند: اول این که چون نامه از ناحیه سلیمان می‌باشد کریم است؛ چون ملکه سبأ از جبروت

سلیمان خبر داشت و می دانست که چه سلطنت عظیم و شوکت عجیبی دارد و دوم این که علت کرامت نامه به جهت آغاز شدن با نام خداست «وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» (طباطبائی، ۱۳۹۰: ۱۵ / ۳۵۸).

در وجوه گفته شده؛ هیچ یک علت کریم بودن نامه را رؤیای صادقه ندانسته اند و سیاق آیات نیز چنین بیانی ندارد. هم چنین انصار احمد بصری، دلیلی بر ادعای کریم بودن نامه از طریق رؤیا را ارائه نداده اند. به بیان دیگر آنان فقط می توانند کریم بودن نامه را به ملکه سبأ نسبت دهند، اما این که چنین انتسابی مربوط به رؤیاست، آیات قرآن و روایات از آن ساکت است و با توجه به سیاق آیات درمی یابیم اگر ملکه صبا علم به نبوت حضرت سلیمان داشت چرا مقابله یا مصالحه با حضرت سلیمان را در برابر سران حکومتی خود به مشاوره گذاشت.

۴-۴. چگونگی ایمان مادر حضرت موسی (ع) به فرزندش

یکی دیگر از مستند قرآنی احمد اسماعیل بصری درباره حجیت رؤیا مبنی بر صحت امامت و زعامت خود، آیه هفتم سوره قصص است که می فرماید: «وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خِفَتْ عَلَيْهِ فَالْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكِ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ» به اعتقاد احمد بصری این شهادت خدا برای مادر موسی (ع) در خصوص پسرش حضرت موسی (ع) است و او مکلف بوده که همانند دیگر مکلفین به او ایمان آورد. حال چگونه به او ایمان بیاورد؟ از طریق رؤیا که همان وحی الهی است. (احمد اسماعیل، بی تا ه: ۲ / ۴۰) درواقع احمد بصری وحی در آیه شریفه را خواب می داند؛ بر این اساس آیه بر حجیت خواب به عنوان طریقی در تشخیص حجت خدا دلالت دارد و مادر موسی (ع) از طریق رؤیا به نبوت فرزندش پی برد.

نقد و بررسی

کلمه «او حینا» صیغه متکلم مع الغیر از فعل ماضی باب «ایحاء» به معنای گفت و گوی پنهانی است و در قرآن در سخن گفتن خدا با بعضی از مخلوقاتش استعمال می شود. معنای آیه شریفه چنین است: ما با نوعی الهام به مادر موسی پس از تولد فرزند به او گفتیم: مادامی که

از جانب فرعون احتمال خطری نمی‌دهی، به شیر دادن فرزند ادامه بده و چون ترسیدی که لشکریان فرعون خبردار شوند و او را گرفته و مانند هزاران کودکی که کشتند موسی را نیز به قتل برسانند، وی را به دریا بیفکن و دیگر از کشته شدن او نترس و از جدایی او غمگین نشو که ما دوباره او را به تو برمی‌گردانیم و او را از پیامبران قرار می‌دهیم تا رسولی به‌سوی آل فرعون و بنی‌اسرائیل بوده باشد (طباطبائی، ۱۳۹۰: ۱۶ / ۱۰).

ابن جوزی درباره «وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ» سه دیدگاه را مطرح می‌کند:

ابن عباس وحی را همان الهام می‌داند.

نیآوردی وحی را به معنای خواب دیدن می‌داند.

خبر توسط جبریل به مادر موسی (ع) رسیده است (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۳ / ۳۷۵).

با توجه به دیدگاه‌های مختلف درباره معنای وحی در آیه شریفه، باید گفت:

اولاً: زمانی که پای احتمالات متعدد در میان باشد، استدلال باطل می‌شود (شهبازیان، ۱۳۹۴: ۴۰).

ثانیاً: بر فرض که معنای وحی به مادر موسی (ع) رؤیا باشد، باز با تکیه بر مورد خاص نمی‌توان به عمومیت مسئله رؤیای صادقه در بین عموم مردم پی برد. ضمن این که حجیت رؤیا متعلق به فردی است که رؤیا را دیده است و تعمیم آن به سایر مردم نادرست است.

نتیجه‌گیری

۱. خدای متعال در آیات متعدد به مسئله رؤیا پرداخته و آن را تصدیق کرده است.

۲. اصل رؤیای صادقه موردپذیرش است و در این زمینه با جریان احمد بصری چالشی وجود ندارد، بلکه اختلاف بر سر ادعای آنان در بهره‌گیری از آیات قرآن در تشخیص حجت الهی به‌وسیله رؤیا توسط عموم مردم است.

۳. با توجه به آیات قرآن و روایات معصومین (ع) به‌دست می‌آید که پیامبران (ع) و ائمه طاهرین (ع) منصوب از جانب خدا هستند و خواب در صورتی حجت است که یا حجت الهی آن را دیده باشد و یا این که بیننده خواب از جانب حجت خدا تصدیق گردد مانند خواب حضرت یوسف (ع) که حضرت یعقوب (ع) آن را تصدیق کرد.

۴. این که احمد بصری مقصود از وحی در آیه ۱۱۱ سوره مائده را رؤیا دانسته، به دلیل وجود احتمالات مختلف و عدم وجود قرینه، قابل اثبات نیست؛ بنابراین نمی توان مراد از وحی در این آیه را رؤیا تفسیر کرد. حتی اگر در این آیه مقصود از وحی را رؤیا بدانیم، باز این آیه اشاره به مورد خاص (حواریون) دارد و عمومیت ندارد.

۵. با توجه به ادعای انصار احمد بصری که معنای وحی به مادر موسی (ع) را رؤیا پنداشته اند، نمی توان با تکیه بر مورد خاص به عمومیت مسئله رؤیای صادقه در بین عموم مردم پی برد. ضمن این که حجیت رؤیا متعلق به فردی است که رؤیا را دیده و تعمیم آن به سایر مردم نادرست است.

تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

ORCID

Kamran Oveisi
Hassan Rezaiemehr



<https://orcid.org/0000-0002-5900-110X>
<https://orcid.org/0000-0002-5900-1100>

منابع

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
- آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵ ق). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*، علی عبدالباری عطیه، بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، چاپ اول.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ ق). *کمال الدین و تمام النعمه*، علی اکبر غفاری، تهران: اسلامیه، چاپ دوم.
- _____ (۱۴۱۳ ق). *من لا یحضره الفقیه*، علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم: چاپ دوم.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۴۲۲ ق). *زاد المسیر فی علم التفسیر*، مهدی، عبدالرزاق، لبنان - بیروت: دارالکتاب العربی، چاپ اول.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق). *لسان العرب*، محقق / مصحح: جمال الدین میردامادی، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، چاپ سوم.
- احمد اسماعیل (بی تا الف). *المتشابهات*، بی تا، بی جا.
- _____ (بی تا ب). *الجواب المنیر*، بی تا: بی جا.
- _____ (بی تا ج). *ادله جامع یمانی*، بی تا: بی جا.
- _____ (بی تا د). *الرؤیا فی مفهوم آل البیت*، بی تا: بی جا.
- _____ (بی تا ه). *مع العبد الصالح*، بی تا: بی جا.
- _____ (بی تا و). *بین یدی الصیحه*، بی تا: بی جا.
- _____ (بی تا ز). *خطبه محرم، ۵ محرم الحرام ۱۴۳۲*، بی تا: بی جا.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۵ ق). *البرهان فی تفسیر القرآن*، ایران - قم: موسسه البعثه، قسم الدراسات الإسلامیه، چاپ اول.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۴۰۱ ش). *تفسیر تسنیم*، قم: انتشارات اسراء، چاپ سوم.
- الخباز القطیفی، السید ضیاء (۱۴۳۵ ق). *المهدویه الخاتمه*، قم: باقیات، چاپ اول.
- خصیبی، حسین بن حمدان (۱۴۱۹ ق). *الهدایه الکبری*، بیروت، البلاغ.
- دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۱۲ ق). *إرشاد القلوب إلى الصواب*، قم: الشریف الرضی، چاپ اول.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق). مفردات ألفاظ القرآن، بیروت - دمشق، دار القلم - الدار الشامیه، چاپ اول.

زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوایل فی وجوه التأویل، بیروت: دار الكتاب العربی، چاپ سوم.

شهبازیان، محمد (۱۳۹۴ ش). خواب پریشان، قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، چاپ اول.

صاحب بن عباد، إسماعیل بن عباد (۱۴۱۴ ق). المحيط فی اللغة، آل یاسین، محمد حسن، بیروت: عالم الكتاب، چاپ اول.

طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۹۰ ق). المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، دوم.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ ش). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ایران - تهران: ناصر خسرو، چاپ سوم.

طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن، لبنان - بیروت: دار المعرفه، چاپ اول.

عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ ق). تفسیر العیاشی، ایران - تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه، چاپ اول.

فراهیدی، خلیل بن أحمد (۱۴۰۹ ق). کتاب العین، قم: نشر هجرت، چاپ دوم.
قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳ ش). تفسیر القمی، طیب موسوی جزایری، قم: دار الكتاب، چاپ سوم.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق). الکافی، علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الإسلامیه، چاپ چهارم.

مصطفوی، حسن (۱۳۶۸ ش). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.

مفضل بن عمر (بی تا). توحید المفضل، قم: داوری.
مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ ق). الأمالی، استاد ولی، حسین و غفاری علی اکبر، قم: کنگره شیخ مفید، چاپ اول.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱ ش). تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ دهم.

References [In Persian & Arabic]

- Holy Quran, translated by Nasser Makarem Shirazi.
- Alousi, Mahmoud bin Abdullah (1994). *Ruh al-Ma'ani fi Tafsir al-Qur'an al-'Azeem and al-Saba al-Mathani*, Ali Abdulbari Attiyah, Beirut: Dar al-Kutub al-Alamiya, Muhammad Ali Bizoon's pamphlets, first edition.
- Ibn Babuyeh, Muhammad bin Ali (1975). *Kamal al-Din and Tammam al-Naimah*, Ali Akbar Ghafari, Tehran: Islamia, second edition.
- _____ (1992). *Man La Yahzara al-Faqih*, Ali Akbar Ghafari, Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Teachers Society: Second Edition.
- Ibn Jozi, Abd al-Rahman bin Ali (2001). *Zad al-Masir fi 'ilm al-tafsir*, Mahdi, Abd al-Razzaq, Lebanon-Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi, first edition.
- Ibn Manzoor, Muhammad bin Makram (1993). *Arabic language*, researcher/corrector: Jamal al-Din Mir Damadi, Beirut: Dar al-Fakr Lal-Taba'ah and Al-Nashar and Al-Tawzi'ah, third edition.
- Ahmad Ismail (No Date A). *Al-Musabihat*, without, out of place.
- _____ (No Date B). *Al-Jawb al-Munir*, Bina: out of place.
- _____ (No Date C). *Yamani's comprehensive evidence*, Bina: out of place.
- _____ (No Date D). *Al-Rawiya in the meaning of al-al-bayt*, bina: out of place.
- _____ (No Date E). *With al-Abd al-Saleh*, bina: out of place.
- _____ (No Date and). *Bin Yadi al-Saiha*, Bina: out of place.
- _____ (No Date Z). *Muharram sermon*, 5th of Muharram 1432, Bina: out of place.
- Bahrani, Hashem bin Suleiman (1994). *Al-Burhan fi Tafsir al-Qur'an*, Iran - Qom: Al-Ba'ath Institute, Section of Islamic Studies, first edition.
- Javadi Amoli, Abdullah (2022). *Tafsir Tasnim*, Qom: Isra Publications, third edition.
- Al-Khabaz Al-Qatifi, Al-Sayed Zia (2014). *Al-Mahduyeh al-Khatmah*, Qom: Baghiat, first edition.
- Khasibi, Hossein bin Hamdan, (1998). *Al-Hidayah al-Kabri*, Beirut: al-Balagh.
- Dilmi, Hassan bin Muhammad (1991). *Irshad al-Qulub to al-Sawab*, Qom: Al-Sharif al-Razi, first edition.
- Ragheb Esfahani, Hossein bin Muhammad (1991). *Al-Qur'an Vocabulary*, Beirut-Damascus, Dar Al-Qalam-Al-Dar Al-Shamiya, first edition.

- Zamakhshari, Mahmoud bin Omar (1987). *Al-Kashf on the facts of Gawamaz al-Tanzil and Ayun al-Aghawil in the faces of al-Taawil*, Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi, third edition.
- Shahbazian, Mohammad (2014). *Chab Parshan*, Qom: Hazrat Mahdi Mouwad Cultural Foundation, first edition.
- Sahib bin Abad, Ismail bin Abad (1993). *Al-Muhait fi al-Lagheh, Al-Yasin*, Mohammad Hassan, Beirut: Alem al-Kitab, first edition
- Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein (1970). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*, Beirut: Al-Alami Institute of Press, II.
- Tabarsi, Fazl bin Hassan (1993). *Majam al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*, Iran-Tehran: Nasser Khosrow, third edition.
- Tabari, Muhammad bin Jarir (1991). *Jame al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*, Lebanon-Beirut: Dar al-Marafa, first edition.
- Ayashi, Muhammad bin Masoud (1960). *Tafsir Al-Ayashi*, Iran-Tehran: Al-Alamiya Islamic Library, first edition.
- Farahidi, Khalil bin Ahmed (1989). *Kitab Al-Ain*, Qom: Hijrat Publishing House, second edition.
- Qomi, Ali bin Ibrahim (1984). *Tafsir al-Qami*, Tayyab Mousavi Jazayari, Qom: Dar al-Kitab, third edition.
- Kalini, Muhammad bin Yaqub (1987). *Al Kafi*, Ali Akbar Ghafari and Mohammad Akhundi, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiya, 4th edition.
- Mostafavi, Hassan (1989). *Researching the words of the Holy Quran*, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance, first edition.
- Mufadl bin Umar (No Date). *Tawheed al-Mafdali*, Qom: Davari.
- Mofid, Muhammad bin Muhammad (1992). *Amali*, Ustad Wali, Hossein Waghfari Ali Akbar, Qom: Sheikh Mofid Congress, first edition.
- Makarem Shirazi, Nasser (1992). *Sample Tafsir*, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyeh, 10th edition

استناد به این مقاله: اویسی، کامران، رضایی مهر، حسن. (۱۴۰۴). نقد و بررسی مستندات قرآنی احمد اسماعیل درباره شناخت حجج الهی از طریق رؤیا، دو فصلنامه علمی سراج منیر، ۱۶ (۵۱)، ۸۴-۵۹. DOI: 10.22054/ajsm.2025.85261.2122



Seraje Monir is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.